الف) فراهم آوردن پایه و بستر برای فعالیت هوش اشراق‌محور

قبل از اینکه دوباره خلاصه‌ای از انواع پایه‌ها را عرض کنم، این نکته را اشاره کنم. ذیل جلسه قبل که در آنجا گذاشته شده بود، یکی از آقایان مطلبی را ارسال کرده بودند. من خیلی خوشحال شدم از اینکه با بحث ما جنبه تطبیقی دارد و چیزی که دیگران مشغول آن هستند را ما هم مباحثه می‌کنیم و یک حالت تطبیق بین حرف آنها با این حرف‌هایی که زده می‌شود، جالب است. علی ای حال ذیل آن جلسه ارسال کرده‌اند که خیلی نافع است؛ تطبیق بین حرف‌ها خیلی نافع است تا اشتراکات معلوم شود و امتیازهای هر کدام از حرف‌ها هم معلوم شود که هر کدام به چه صورت است.

صفحه‌ای که در آن جا هست، این است: «مقاله فرضیه نفس‌مندی هوش مصنوعی-برایان کاتر». عنوانش در فدکیه هست. من از آن جا می‌خوانم.

شاگرد: سؤالاتی که آقایان می‌فرستند محصّل حرف را خلاصه‌وار بفرمایید تا متوجه شویم.

استاد: چشم. گاهی می‌بینید یک ساعت جلسه اگر بخواهیم همه را بخوانیم یک جور است، اما محصّلش باید گفته شود. هر کجا هم کم‌بود دارد، تذکر بدهید تا عرض کنم.

> **فرضیۀ نفس‌مندی هوش مصنوعی**
>
> **برایان کاتر، استادیار دانشگاه نوتردام آمریکا، مقاله‌ای نگاشته است با عنوان «فرضیۀ نفس‌مندی هوش مصنوعی» که قرار است در مجلۀ ایمان و فلسفه چاپ شود. او از این فرضیه دفاع می‌کند که دست‌کم می‌توان این احتمال را که هوش عمومی مصنوعی (Artificial General Intelligence) به‌معنای حقیقی نفس‌مند باشد، جدی گرفت.**

ریخت کار ایشان، ریخت فضای کامپیوتر و مهندسی نرم‌افزار نیست. ریخت کار او فیلسوف ذهن است و در زمینه فلسفه ذهن دارد کار می‌کند. لذا با آن گرایش و با آن رویکرد دارد حرف می‌زند. ایشان خلاصه‌ای از مقاله‌اش را در مجله فلسفه ذهن آورده است. ذیل صفحه، من عباراتی را هم آورده‌ام که از خودش است؛ توضیح می‌دهد و می‌گوید مقاله من هنوز چاپ نشده و بعداً می‌آید. آن آقا خلاصه‌ای از آن را گفته است.

> **کاتر دو استدلال به‌سود این تز عرضه کرده است: استدلال قیاس با بیگانه و استدلال دریافت‌کننده مناسب.**
>
> **این استدلال اول (the alien-analogy argument) این است که اگر موجوداتی متفاوت با انسان‌ها و حیوانات زمینی را بیابیم که هوشمند به نظر برسند، یعنی رفتارها و کارکردهای هوشمندانه داشته باشند، اما از ماده بدنی متفاوتی ساخته شده باشند، می‌پذیریم که آن‌ها هم نفس‌مندند. حال اگر نفس‌مندی آن‌ها را در نمی‌کنیم، نمی‌توانیم نفس‌مندی ماشین هوشمند را نیز در کنیم.**

«کاتر دو استدلال به‌سود این تز عرضه کرده است»: خب این تز چیست؟ **«دست‌کم می‌توان این احتمال را که هوش عمومی مصنوعی (Artificial General Intelligence) به‌معنای حقیقی، نفس‌مند باشد، جدی گرفت»:** یعنی همان چیزی را که در تطبیق هوش اشراق‌محور عرض کردم. ایشان می‌گوید ما می‌توانیم با هوش مصنوعی، ماشین و دستگاهی بسازیم که واقعاً هوش اشراق‌محور هم داشته باشد. اصل حرف او در این مطلب فلسفه ذهن، همین است. می‌گوید یعنی ما زمینه‌ای فراهم می‌کنیم. بعد هم در پایان کلامش تصریح می‌کند و می‌گوید من نمی‌گویم روح را بیاوریم.

> **کاتر در مقاله توضیح داده است که مرادش از نفس و نفسدار شدن چیست، از جمله نفس‌مندی را گونه‌ای اتحاد نفس و بدن می‌داند که بر روابط علّی متقابل میان نفس و بدن استوار است. نیز درباره شرایط ـ از لحاظ طبیعی کافی (nomologically sufficient condition) برای نفسدار شدن بحث کرده است، زیرا نفسدار شدن مسلماً حادثه‌ای تصادفی نیست.**

بعد نکته مهمی را می‌گوید:

> **لازمه فرضی مزبور این نیست که ما نفس‌های ماشین‌های هوشمند آینده را خلق می‌کنیم، بلکه نقش ما تنها فراهم آوردن شرایط مادی لازم برای نفس‌مند شدن است. این سخن مشابه سخن دوگانه‌انگاران جوهری است که معتقدند اگر بدن مناسبی فراهم آید، آنگاه نفسی بدان متصل می‌شود یا این بدن با نفسی از پیش‌موجود متحد می‌گردد.**

«لازمه فرضی مزبور این نیست که ما نفس‌های ماشین‌های هوشمند آینده را خلق می‌کنیم، بلکه نقش ما تنها فراهم آوردن شرایط مادی لازم برای نفس‌مند شدن است»: ما نفس را خلق نمی‌کنیم. ما همان پایه‌ها و ماشین‌های هوشمند را ایجاد می‌کنیم و نفس خودش از عالم دیگر به آن تعلق می‌گیرد. این اصل حرف است.

«این سخن مشابه سخن دوگانه‌انگاران جوهری است که معتقدند اگر بدن مناسبی فراهم آید، آنگاه نفسی بدان متصل می‌شود»: مثل شبیه‌سازی امروزی که شما یک سلول و DNA برمی‌دارید، و بدون اینکه دو سلول نر و ماده باشند و سلول جنسی باشند، از یک سلول با

کرومووزومی که از هسته او بر میدارید، شبیه‌سازی می‌کنید. یک انسانی پدید می‌آید؛ همانطوری که گوسفند به این شکل پدید آمده، یک انسان از این روند شبیه‌سازی پدید می‌آید. آیا شما می‌توانید بگویید این انسان، هوش اشراق‌محور ندارد؟! چون ما آن را شبیه‌سازی کرده‌ایم، پس ارتباطی ندارد؟! نه، وقتی این انسان از طریق شبیه‌سازی، بدن مناسبی پدید آورد، ولو ما تسبیب کردیم که از این راه چنین بدنی پدید بیاید، اما منافاتی ندارد و وقتی بدنی است ولو از طریق شبیه‌سازی، الآن که این بدن ده ساله، بیست ساله شده، به تکلیف می‌رسد و فرقی نمی‌کند [در این شرایطی که] با آن پدری که فقط پدر بود [این بدن پدید آمده است] - مادر که نداشت و فقط پدر داشت - حال پدرش چه زن باشد و چه مرد باشد - تا سلول را از چه کسی گرفته باشند - زن هم در اینجا پدر است؛ پدر به این معنا.

بازبینی #3
ایجاد شده 14 سپتامبر 2024 16:28:12 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 فوریه 2025 12:21:04 توسط ... .